

روش شناسی کلامی علامه حلی^{رحمۃ اللہ علیہ}

عبدالرحیم سلیمانی بهبهانی^۱

هادی زارعی^۲، حیدر سبزی^۳

چکیده

علامه حلی از متکلمان شیعی است که روشی عقلی داشته و با تأکید بر حجیت عقل دلالت آن را از دلالت سایر منابع قوی تر می‌داند. از این رو هنگام ناسازگاری عقل و نقل در صورت تأویل پذیری، آن را تأویل برده، و در غیر این صورت، نقل را مردود می‌شمارد. با این وجود ایشان از نقل نیز غافل نبوده و با اذعان به عدم کارایی عقل در برخی حوزه ها، معرفت نقلی را نیز لازم شمرده و در آثار کلامی خود از آنها استفاده می‌نماید؛ البته با این تفاوت که حجیت قرآن را پذیرفته ولی حجیت اخبار و اجماع را به صورت مطلق نمی‌پذیرد، بلکه برای پذیرش آنها شرایطی را مطرح می‌نماید.

واژه‌های کلیدی: علامه حلی، روش شناسی، عقل گرایی، روش کلامی.

۱. استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

۲. دانش پژوه سطح چهار مرکز تخصصی علم کلام، مؤسسه امام صادق علیه السلام.

۳. دانش پژوه سطح چهار مرکز تخصصی علم کلام، مؤسسه امام صادق علیه السلام.

۱. زندگی‌نامه و شخصیت علمی

جمال‌الدین ابو منصور، حسن بن یوسف بن علی بن محمد ابن مطهر، معروف به علامه حلی در سحرگاه جمعه بیست و هفتم رمضان سال ۶۴۸ قمری در شهر حله به دنیا آمد و در سال ۷۲۶ در همین شهر وفات نمود و در جوار مضع شریف حضرت علی علیه السلام به خاک سپرده شد.

علامه حلی از شخصیت‌های برجسته جهان اسلام (موسوی خوانساری: ۱۳۹۰، ۲: ۲۷۰-۲۷۱؛ حر عاملی: ۱۳۶۲، ۲: ۸۱) است که از سوی علمای شیعه و سنی مورد تمجید و تقدیر فراوان قرار گرفته، و تنها کسی است که در بین علمای امامیه ملقب به لقب علامه علی الاطلاق گردیده است (امین: ۱۴۰۳، ۵: ۳۹۶؛ صفدی: ۱۳۸۱، ۱۳: ۸۵). از ایشان کرامات زیادی نقل شده است که از جمله آن می‌توان به تشرفات مکرر ایشان به محضر امام زمان علیه السلام اشاره کرد (نهادندی: ۱۳۸۶، ۲: ۶۱، ۹۸؛ طبرسی نوری: ۱۳۸۳، ۴۵۲؛ قمی: ۱۳۸۵، ۲۲۵). علامه از جمله عالمانی است که دارای تالیفات زیادی در علوم و فنون مختلف بوده به طوری که تا پانصد کتاب به خط خود علامه غیر از کتاب‌هایی از ایشان که به خط دیگران می‌باشد نقل شده است (طریحی: ۱۴۱۶، ۶: ۱۲۳). در مباحث کلامی نیز آثار متعددی به رشته‌ی تالیف در آورده است که از مهم‌ترین آنها می‌توان کتاب «کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد»، «انوار الملکوت فی شرح الیاقوت»، «کشف الفوائد فی شرح قواعد العقائد»، «منهاج الکرامه فی معرفه الامامه»، «نهج الحق و کشف الصدق»، «کتاب الالفین الفارق بین الصدق و المین»، «نهایه المرام فی علم الکلام»، «الباب الحادی عشر»، «نهج المسترشدین فی اصول الدین»، «تسلیک النفس الی حظیره القدس»، «معارج الفهم فی شرح النظم» و... نام برد.

۲. روش تالیفی و تدوینی علامه حلی

تالیفات کلامی ایشان به دو قسم تقسیم می‌شود:

الف. آثاری که شرح کتب متکلمین قبل می‌باشد. مثل کتاب «کشف المراد» و «کشف الفوائد» که به ترتیب شرح کتاب تجرید الاعتقاد و قواعد العقائد خواجه نصیر طوسی بوده، و «انوار الملکوت» که شرح «الیاقوت فی علم الکلام» ابو اسحاق ابراهیم بن نوبخت می‌باشد.

ب. آثاری که تالیف خود ایشان می‌باشد: «نهایة المرام فی علم الکلام»، «نهج الحق و کشف الصدق»، «الباب الحادی عشر»، «منهاج الکرامه»، «کتاب الألفین»، «نهج المسترشدين فی أصول الدين» و...

در میان آثار ایشان «نهایة المرام فی علم الکلام» از جامع ترین کتب علامه است؛ ولی همه اجزا و مجلدات آن در دسترس نمی‌باشد..

در بین آثار دیگر ایشان کتاب «کشف المراد» و «کشف الفوائد» و «انوار الملکوت» از جامعیت بیشتری برخوردار است که در بین آنها کتاب «کشف المراد» از جامع ترین کتب کلامی علامه حلی و اولین و مهمترین شرح بر کتاب تجرید الاعتقاد خواجه طوسی می‌باشد که به اعتراف برخی از شارحان دیگر تجرید اگر این شرح نبود مراد خواجه دانسته نمی‌شد (ر.ک: همو: ۱۴۱۳ ب، ۳).

با توجه به تقسیم آثار علامه به آثار شرحی و تألیفی، چینش مباحث هر کدام از این‌ها به شرح ذیل می‌باشد:

الف. آثار شرحی

کتاب «انوار الملکوت» در قالب پانزده مقصد که چهار مقصد آن مربوط به امور عامه و یازده مقصد دیگر شامل مباحث اثبات صانع، صفات الهی، عدل، آلام و اعواض، افعال قلوب، تکلیف، لطف، وعد و وعید، نبوت و امامت است. شارح علامه بر خلاف مولف که تنها به مهمترین مباحث و آراء کلامی بدون ذکر قائلین آنها پرداخته است، علاوه بر رفع این نقیصه با مشخص نمودن منتسبین آنها، با اضافه کردن مطالب مفید و ضروری و شرح و توضیح آنها به وزانت علمی آن افزوده است.

کتاب «کشف الفوائد» در قالب یک مقدمه مربوط به امور عامه و پنج باب شامل اثبات صانع، صفات و افعال الهی، نبوت، امامت و وعد وعید تدوین یافته است.

کتاب «کشف المراد»، در شش مقصد: امور عامه، جواهر و اعراض، اثبات صانع و صفات و آثار او، نبوت، امامت و معاد تالیف شده است.

ب: آثار تألیفی

این آثار نیز با توجه به پرداختن به تمام مباحث کلامی یا برخی از مسائل خاص، به تألیفات جامع و تألیفات غیر جامع (مختص به مسائل خاص) تقسیم می‌شود، که البته تألیفات جامع نیز به دو گونه می‌باشد: آثاری که از مباحث معرفت‌شناسی و فلسفی شروع شده است:

۱. تألیفات جامع

- ۱-۱. کتاب «نهایه المرام فی علم الکلام» جامع ترین کتاب کلامی علامه (رک: علامه حلی: ۱۴۱۹، ۱: ۵) که از آن، تنها مباحث مربوط به امور عامه که در سه جلد نگاشته شده است در دسترس می‌باشد.
- ۱-۲. «تسلیم النفس إلی حظیره القدس» مشتمل بر نه مرصد بوده که چهار مرصد اول آن مربوط به مباحث معرفت شناسی و امور عامه فلسفی، و مرصدهای دیگر درباره اثبات واجب و صفات آن، عدل الهی، نبوت، امامت و معاد می‌باشد.
- ۱-۳. «مناهج الیقین فی اصول الدین» مشتمل بر دوازده منهج که سه منهج اول آن مربوط به امور عامه، و مناهج دیگر به ترتیب در مورد اثبات واجب و بیان صفات ثبوتی و سلبی، عدل، نبوت، امامت، معاد، وعد و وعید، اسماء و احکام و امر به معروف و نهی از منکر است.
- ۱-۴. «معارج الفهم فی شرح النظم» مشتمل بر هفت باب، که باب اول و دوم آن در زمینه مباحث معرفت شناسی و فلسفه، و ابواب دیگر به ترتیب به مباحث اثبات واجب و صفات آن، عدل، نبوت، امامت و معاد پرداخته است.
- ۱-۵. «نهج الحق و کشف الصدق» در هشت مساله: ادراک، نظر، صفات الهی، نبوت، امامت، معاد، اصول فقه و فقه تدوین شده است. این کتاب به درخواست سلطان محمد خدابنده نگاشته شده (مقدمه، ۳۸)، و با توجه به سیطره‌ی افکار اهل سنت خصوصا اشاعره، غالبا به نقد آن دسته از آراء و عقاید عامه که مخالف بدیهیات و منجر به سفسطه می‌شده، پرداخته است (مقدمه، ۳۷-۳۸) لذا بدون اشاره به اثبات صانع به تفصیل وارد مباحث صفات الهی و امامت شده، و بقیه مباحث را به اختصار مطرح نموده است.
- ۱-۶. کتاب «الباب الحادی عشر» به صورت خلاصه و بدون پرداختن به مباحث معرفت شناسی و فلسفی در یک مقدمه و شش فصل نگاشته شده، و به ترتیب مشتمل بر مباحث اثبات واجب الوجود، صفات ثبوتیه و سلبیه، عدل، نبوت، امامت و معاد است.
- ۱-۷. «الأسرار الخفیة فی العلوم العقلیة» مشتمل بر منطق، طبیعیات و الهیات می‌باشد. بخش منطق در پنج مقاله- و هر کدام مشتمل بر چندین مبحث- است. طبیعیات و الهیات نیز در شش مقاله، و هر مقاله در چندین مبحث تنظیم شده است. تمامی مباحث مهم منطقی و طبیعی و الهیاتی در این کتاب مطرح شده است.

۲. تالیفات غیر جامع

کتاب «منهاج الکرامه»، «کتاب الالفین» و «کشف الیقین فی فضائل امیرالمومنین» در خصوص مسئله امامت نگاشته شده‌اند. در این میان، کتاب «منهاج الکرامة» چنانکه خود مولف در مقدمه کتاب بیان کرده است به صورت خلاصه به دلایل و رؤوس مطالب امامت در قالب شش فصل، به بیان عقیده مذاهب اسلامی در باره امامت، وجوب متابعت از عقیده امامیه، ادله امامت ائمه علیهم السلام، و عدم صحت امامت خلفای دیگر و نقد دلایل آنها پرداخته است.

اما کتاب «الالفین» علاوه بر دارا بودن غالب مطالب منهاج الکرامة، آن گونه که از مقدمه آن برمی آید می‌بایست بر اساس مباحثی که مشتمل بر یک مقدمه، دو گفتار (که حاوی هزار دلیل عقلی و نقلی بر امامت امیرالمومنین علی علیه السلام و هزار دلیل دیگر بر ابطال شبهات منکرین باشد و دلایلی در اثبات امامت ائمه دیگر)، و یک خاتمه تدوین می‌گشت، ولی علامه بعد از بیان مقدمه، بدون اشاره به دو گفتار مذکور، شروع به بیان دو هزار دلیل بر وجوب عصمت امام کرده و پس از اتمام هزار دلیل نخست و شروع در هزار دلیل دوم به خاطر پرهیز از اطاله کلام تنها به سی و هشت مورد اکتفا کرده و بدون ذکر خاتمه، کتاب را به اتمام رسانده است.

و اما «کشف الیقین فی فضائل امیرالمومنین» را در پاسخ به درخواست سلطان محمد خدابنده مبنی بر نگارش کتابی در فضایل امیرالمومنین به صورت مختصر در ضمن یک مقدمه و چهار فصل به رشته تحریر در آورده است: فضایل آن حضرت قبل از ولادت؛ پس از ولادت تا بلوغ؛ از بلوغ تا شهادت؛ پس از شهادت.

نکته قابل ذکر در میان آثار ایشان این است که علامه در آثاری مانند: «کشف المراد»، «کشف الفوائد»، «انوار الملکوت»، «مناهج الیقین»، «تسلیک النفس الی حظیره القدس»، «معارج الفهم فی شرح النظم»، «نهج الحق و کشف الصدق» غالباً به روش عقلی بحث کرده، و در آثاری مانند «کشف الیقین فی فضائل امیرالمومنین» روش نقلی، و در دیگر آثارش مانند: «منهاج الکرامة» و «الالفین» تلفیقی از روش عقلی و نقلی را درپیش گرفته است.

۳. کارکرد علوم در مباحث کلامی

از آن جا که علوم به دو دسته عقلی و نقلی قابل تقسیم می‌باشند نقش هر کدام از این علوم در مباحث کلامی علامه به صورت جداگانه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۳-۱. علوم عقلی

۳-۱-۱. منطق

علامه حلی علاوه بر اینکه در علم منطق صاحب نظر بوده و دارای تالیفات متعدد و گران سنگی هم چون «الجواهر النضید فی شرح منطق التجرید»، «القواعد الجلیه فی شرح الرسالة الشمسیه»، «النور المشرق فی علم المنطق»، «نهج العرفان فی علم المیزان»، «الدرّ المکنون فی علم القانون» در این زمینه می‌باشد (ر.ک: امین: ۱۴۰۳، ۵: ۴۰۵-۴۰۶)، در مکتوبات کلامی خویش غالباً به صورت کاربردی از مباحث منطقی مختلفی همانند: انواع حجت‌های منطقی (قیاس، تمثیل، استقراء) استفاده نموده است، چنانکه از نظر ماده استدلال نیز از صناعات متنوعی مثل برهان، جدل و خطابه بهره گرفته است. در اینجا نمونه‌هایی را بازگو می‌کنیم:

۱. برهان سبر و تقسیم: در این برهان فرضیه‌ها و اقوال مختلف در مسئله در نظر گرفته می‌شود سپس با بررسی و نقد یکایک احتمالات، یکی از آنها اثبات شده و سایر احتمالات ابطال می‌شود. (جرجانی: ۱۳۷۰، ۵۱)

برای نمونه، علامه در اثبات ضرورت وجود امام معصوم، تمام فرض و احتمالات در باره عوامل حفظ شریعت (کتاب، سنت، اجماع، قیاس، امام معصوم) را ذکر نموده، و با ابطال همه موارد به جز فرض اخیر، مدعی خود را اثبات می‌کند. (همو: ۱۴۲۳، ۱: ۱۰۹؛ همو: ۱۳۶۳، ۶۱، ۲۰۵).

۲. قیاس اقترانی: در مبحث علم الهی، به شیوه قیاس اقترانی (= قیاسی که در مقدمات آن به نتیجه یا نقیض آن تصریح نشده است)، با محکم و متقن دانستن افعال الهی عالم بودن حضرت حق را ثابت می‌کند. (همو: ۱۳۶۳، ۶۳؛ همو: ۱۴۱۳، ج ۱، ۱۳۶، ۱۴۳).

۳. قیاس استثنایی: در باب نفی جسم داشتن خدا، به شیوه قیاس استثنایی متصل چنین استدلال نموده است که اگر خدا جسم بود قادر به خلق اجسام نبود، ولی تالی باطل است پس مقدم نیز باطل است. (همو: ۱۳۶۳، ۷۷، ۸۱، ۸۳، ۸۹، ۱۰۶، ۱۶۷)؛ (همو: ۱۴۱۳، ج ۱، ۱۴۱، ۱۴۴، ۲۴۸). و برای نفی تحییّز از ذات الهی به شیوه قیاس استثنایی منفصل می‌فرماید: اگر خداوند متحییّز باشد یا قابل تقسیم است یا نه، و تالی به هر دو قسمش باطل است؛ زیرا یا مستلزم جسم بودن خداوند است که قبلاً بطلان آن روشن شد، و یا مستلزم این است که خداوند، کوچکترین موجودات باشد

که بطلانش واضح است، بنابر این خداوند متحیز نیست. (همو: ۱۳۶۳، ۷۹، ۹۵).

۴. تمثیل: علامه به شیوه تمثیل (= اثبات حکمی برای یک جزئی به خاطر ثبوت آن در جزئی دیگری که مشابه با جزئی اول است) نیاز عالم به مُحدَث را از طریق تشبیه عالم به افعال انسانها اثبات می‌نماید؛ یعنی همچنانکه افعال انسانی نیازمند فاعل است عالم نیز نیاز به فاعل و محدثی دارد. (همو: ۱۹۸۲، ۱۱۴؛ همو: ۱۳۶۳، ۱۹۷).

۵. برهان خلف: در مبحث ازلیت قدرت الهی، به شیوه برهان خلف (= قیاسی که مطلوب را با ابطال نقیض ثابت می‌کند) با ابطال حادث بودن قدرت الهی، قدیم بودن آن را ثابت می‌کند. (همو: ۱۳۶۳، ۱۶۰).

۳-۱-۲. معرفت شناسی

گرچه معرفت شناسی به صورتی که امروزه به عنوان شاخه مستقلی از علوم انسانی مطرح است در دوره های پیشین سابقه نداشته، ولی متکلمان اسلامی در آغاز مسائل کلامی خود یا در مناسبت های دیگر، پاره‌ای از مسائل معرفت شناسی را مورد بحث قرار داده‌اند. مرحوم علامه نیز در کتب مختلف خود متعرض برخی از مباحث معرفت شناسی شده است. از باب نمونه به مسئله ملاک صدق و کذب قضایا پرداخته است (همو: ۱۴۱۳ ب، ۷۰؛ همو: ۱۴۱۹، ۲: ۲۳۴-۲۳۸)، و از ادراک و نحوه شکل گیری آن، اصول و فروع آن، و نحوه به وجود آمدن کلیات ضروری و کسی سخنی گفته است (همو: ۱۹۸۲، ۳۹-۵۰). همچنین از رویت و شرایط تحقق آن، و وجوب رویت در صورت تحقق شرایط آن، و اینکه حواس پنج گانه ابزارهای معرفت حسی به شمار می‌آیند، سخن گفته (همو: ۱۹۸۲، ۴۰-۴۱)، و در بحث نظر و وجوب عقلی آن، یکی از ابزارهای معرفتی انسان را عقل می‌داند. (همان، ۵۰-۵۱)

۳-۱-۳. فلسفه

علامه از زمره متکلمان عقل گرای فلسفی به حساب می‌آید که به تبعیت از استاد خود خواجه نصیرالدین طوسی علاوه بر وارد کردن مسائل فلسفی، و مقدمه و مبادی قرار دادن آنها در اکثر آثار خود، در لابه لای مسائل کلامی نیز از مسائل و مفاهیم فلسفی استفاده نموده است. به عنوان نمونه: در بحث اثبات واجب تعالی، با تقسیم موجود به واجب و ممکن، در هر حال وجود واجب را ضروری می‌داند. (همو: ۱۳۶۵، ۱) همچنین ممکن بودن همه مقدورات را مناط تعلق قدرت الهی به آنها می‌داند. (همو: ۱۳۶۵، ۳؛ همو: ۱۴۲۶، ۱۴۶؛ همو: ۱۳۸۶، ۲۳۹) و نیز در اثبات صفت

سرمدیت از وجوب وجود الهی استفاده می‌کند. (همان، ۴؛ همو: ۱۳۷۴، ۵۱)

۳-۱-۴. ریاضیات، هیئت و طبیعیات

با توجه به جامعیت علامه نسبت به علوم مختلف، برای اثبات یا ابطال یک مدعا در موارد لزوم، از سه علم فوق بهره گرفته است. از باب مثال، در حوزه ریاضیات، از خواص اعداد (همو: ۱۴۱۹، ۱: ۶۲۷)، و در علم هیئت از اوصاف اجسام فلکیه (همو: ۱۴۱۳ ب، ۱۵۷)؛ (همو: ۱۴۱۵، ۲۲۰)، و در طبیعیات از ویژگی عناصر بسیطه (همو: ۱۴۱۳ ب، ۱۵۹) بهره گرفته است.

۳-۲. علوم نقلی

۳-۲-۱. ادبیات

نگارش کتب ادبی مثل «بسط الکافی» و «المقاصد الوافیة بفوائد القانون و الکافیة» (ر.ک: امین: ۱۴۰۳، ۵: ۴۰۶) از سوی علامه نشانگر تسلط ایشان به مباحث ادبی می‌باشد. ایشان در ضمن مباحث کلامی به اقتضای حال، در مباحث ادبی نیز ورود کرده و از آنها در تبیین مسائل کلامی استفاده نموده است:

آیه ولایت: علامه از دلالت لفظ «انما» بر حصر نزد اهل لغت، و دلالت لفظ «ولی» بر معنای اولی به تصرف استفاده کرده و در نتیجه دلالت آیه ولایت (ماده: ۵۵) بر ولایت امیر مومنان علیه السلام را تام می‌داند. (همو: ۱۳۶۳، ۲۲۵؛ همو: ۱۳۷۹، ۱۱۷؛ همو: ۱۹۸۲، ۱۷۲؛ همو: ۱۴۱۳ ب، ۱۹۰، ۱۹۱)

آیه تطهیر: در آیه تطهیر (احزاب: ۳۳) نیز ایشان با تأکیدی دانستن لفظ «انما» و دخول «لام» جنس بر واژه «رجس» و اختصاص خطاب به اهل بیت علیهم السلام و تکرار و تأکید واژه طهارت، عصمت و در نتیجه ولایت امیر المومنین علیه السلام را اثبات می‌کند. (همو: ۱۳۷۹، ۱۲۱)

رویت خدا: ایشان با رد نظریه اشاعره که در آیه شریفه «إلی ربها ناظرة»- که «نظر» مقرون به «إلی» را مفید رویت دانسته و در نتیجه خدا را قابل دیده شدن می‌دانند- معتقد است «نظر» مقرون به «إلی» مفید رویت نبوده لذا آیه را حمل بر انتظار نعمت های الهی می‌داند. (همو: ۱۳۶۳، ۸۴؛ همو: ۱۴۱۳ ج، ۲۱۰؛ همو: ۱۴۱۳ ب، ۴۹)

ماهیت ایمان: علامه با توجه به معنای لغوی ایمان، ماهیت ایمان را تصدیق می‌داند (همو: ۱۳۶۳، ۱۸۰)

حدیث غدیر: ایشان در این حدیث نیز با توجه به تقدم جمله «ألسنت» بر جمله «من كنت مولاه...» معنای مولی را منحصر در اولی بالتصرف می‌داند. (همو: ۱۳۶۳، ۲۲۰، ۲۲۱؛ همو: ۱۹۸۲، ۱۷۳؛ همو: ۱۴۱۳، ب، ۱۹۲)

وجوب متابعت از امام: ایشان یکی از دلایل وجوب متابعت از امام را دلالت لغوی واژه «امام» بر کسی که در امور به او اقتدا می‌شود می‌داند. (همو: ۱۴۲۳، ا: ۱۱۲)

ابدی نبودن شریعت حضرت موسی علیه السلام: ایشان منکر دلالت لفظ «ابدا» در روایتی که یهودیان آن را دلیل دائمی بودن شرعشان می‌دانند می‌باشد، و با چندین شاهد دلالت این لفظ بر ابدیت را رد می‌کند. (همو: ۱۴۱۳، ب، ۱۷۵)

۲-۲-۳. تاریخ

علامه اگر چه در زمینه تاریخ کتاب مستقلی ندارد اما در مباحث کلامی خصوصا نبوت و امامت از مباحث تاریخی به وفور استفاده کرده است.

معجزات پیامبر ص: ایشان یکی از دلایل نبوت پیامبر اکرم ص را صدور معجزات فراوان می‌دانند، مانند: جوشیدن آب فراوان از بین انگشتان حضرت، برگشتن آب چاه حدیبیه با تیر آن حضرت و... (همو: ۱۴۱۳، ب، ۱۶۷-۱۷۲).

شان نزول: همچنین بعضی از وقایع تاریخی را در بیان شان نزول آیات مطرح نموده‌اند، مانند اراده نابغه برای مسلمان شدن بعد از شنیدن آیات قرآن که با ممانعت ابو جهل روبرو می‌شود و آیه شریفه «إِنَّهُ فَكَّرُ وَقَدَّر...» را ناظر به این جریان می‌داند. (همو: ۱۴۱۳، ب، ۱۷۲-۱۷۳).

احوال پیامبران: در احوالات پیامبران نیز به برخی از احکام مختص به هر یک از آن حضرات اشاره نموده است. (همو: ۱۴۱۳، ب، ۱۷۴، ۱۷۵).

امامت: در بحث امامت نیز با بیان وقایع تاریخی به شرح احادیث مربوط به ولایت امیر المومنین علیه السلام، همچون واقعه غدیر و استخلاف حضرت علی علیه السلام در مدینه و... پرداخته است (همو: ۱۴۱۳، ب، ۱۹۱).

معجزات ائمه: در مباحث مربوط به افضلیت ائمه (ع) نیز با بیان معجزاتی از ایشان در صدد اثبات امامت آنها برآمده است. (همو: ۱۴۱۳، ب، ۱۹۴-۱۹۵).

مطاعن: ایشان با نقل برخی از مطاعن مخالفین عدم صلاحیت آنها برای امامت را روشن می‌نمایند. (همو: ۱۹۸۲، ۲۶۲-۳۷۲؛ همو: ۱۴۱۳، ب، ۱۹۶-۲۱۱).

غزوات: برای اثبات افضلیت علی علیه السلام بر سایر صحابه از وقایع تاریخی غزوات صدر اسلام و جانفشانی آن حضرت در جنگ‌های مختلف بهره برده‌اند. (همو: ۱۴۱۳، ب،

۳-۲-۳. اصول فقه

از آنجا که مسائل علم کلام به دو دسته عقلی و نقلی تقسیم می‌شوند و در مسائل نقلی قواعد اصول فقه نقش اساسی دارد لذا نتایج مباحث اصول فقه همچنان که در غالب رشته های علوم اسلامی کاربرد دارد در علم کلام نیز مورد استفاده واقع می‌شود. علامه نیز با توجه به تسلطی که به اصول فقه داشته، علاوه بر آوردن برخی از مباحث اصول فقه به صورت مجزا در کتب کلامی خود (همو: ۱۹۸۲، ۳۷۹) در سایر کتب و مباحث کلامی خود نیز از مباحث اصول فقه استفاده نموده است. در این باره از باب نمونه به مواردی اشاره می‌شود:

۱. حجیت اخبار متواتر (همو: ۱۹۸۲، ۳۹۷، ۳۹۸؛ همو: ۱۳۶۳، ۱۸۵، ۱۸۶، ۱۹۰؛ همو: ۱۴۱۳، ب، ۱۹۱، ۱۹۲، ۲۳۸)؛ ۲. حجیت ظواهر کلام متکلم: (همو: ۱۹۸۲، ۲۷۸، ۲۸۸)؛ ۳. حرمت اجتهاد در برابر نص (همو: ۱۹۸۲، ۲۷۹، ۲۸۸، ۲۹۵)؛ ۴. قیاس و بطلان آن (همو: ۱۹۸۲، ۴۰۲؛ همو: ۱۳۶۳، ۲۰۵؛ همو: ۱۴۲۳، ا: ۱۰۹، ۱۱۵؛ همو: ۱۴۱۳، ب، ۱۸۵)؛ ۵. حجیت ظواهر کتاب (همو: ۱۹۸۲، ۱۵۶؛ همو: ۱۴۱۳، ب، ۳۱)؛ اطلاق (همو: ۱۹۸۲، ۱۷۲)؛ ۶. قاعده لا ضرر: (همو: ۱۳۶۳، ۱۲۰)؛ ۷. حجیت اجماع (همان، ۱۲۱؛ همو: ۱۴۱۳، ب، ۱۹۲، ۲۳۹؛ همو: ۱۴۱۳، ب، ۳۱)؛ ۸. حقیقت و مجاز (همو: ۱۴۲۳، ا: ۹۷)؛ ۹. الفاظ عموم: (همو: ۱۴۲۳، ۱۱۷)؛ ۱۰. عدم حجیت خبر واحد: (همو: ۱۴۲۳، ا: ۱۱۵؛ همو: ۱۳۶۳، ۲۰۵).

۴. جایگاه معرفت عقلی در روش کلامی علامه حلی

علامه عقل را قوه‌ای در نهاد انسان می‌داند که علوم بدیهی در صورت سلامت حواس از آن ناشی می‌شود (همو: ۱۴۲۶، ۸۱). او با تاکید بر حجیت عقل (همو: ۱۴۲۶، ۸۷) و به کمک آن، به تبیین مسائل کلامی پرداخته است.

با لحاظ تقسیم عقل به عقل نظری و عقل عملی، و نیز با توجه به تقسیم مسائل اعتقادی به سه دسته‌ی: الف) مسائلی که اثبات وحی و دلیل نقلی متوقف بر آنهاست؛ ب) مسائلی که اثبات وحی و دلیل نقلی متوقف بر آنها نیست ولی عقل توان درک آنها را دارد؛ ج) مسائلی که اثبات وحی و دلیل نقلی متوقف بر آنها نیست و عقل توان درک آنها را ندارد؛ اینک جایگاه و کارکرد عقل از دیدگاه علامه مورد بررسی قرار می‌گیرد:

۴-۱. عقل نظری

۴-۱-۱. دسته اول (مسائل عقلی که اثبات وحی و دلیل نقلی متوقف بر آنهاست)
برخی از مباحثی که نقل و وحی متوقف بر آنها بوده و لذا علامه بر آنها دلیل عقلی
اقامه نموده است، عبارتند از: وجوب نظر (همو: ۱۴۲۶، ۸۶، کشف الغواید، ۹۲؛ همو:
۱۹۸۲، ۵۰)، اثبات صانع (همو: ۱۴۱۳ ب، ۹؛ همو: ۱۴۱۳ ج، ۱۴۶؛ همو: ۱۳۶۳،
۵۹)، صفات الهی (همو: ۱۴۱۳ ب، ۱۱-۵۵؛ همو: ۱۴۱۳ ج، ۱۵۸-۲۲۴؛ همو:
۱۳۶۳، ۶۱-۹۶؛ همو: ۱۹۸۲، ۵۳-۷۲)، ضرورت نبوت، (همو: ۱۳۶۳، ۱۸۳؛ همو:
۱۴۱۳ ج، ۲۸۴؛ همو: ۱۴۱۳ ب، ۱۵۴)، لزوم وجود امام (همو: ۱۴۱۳ ب، ۱۸۱؛ همو:
۱۴۱۳ ج، ۲۹۷-۲۹۸؛ همو: ۱۳۶۳، ۲۰۲؛ همو: ۱۴۲۳، ۱: ۴۸؛ همو: ۱۳۷۹، ۳۱)
عصمت انبیا (همو: ۱۴۱۳ ب، ۱۵۵؛ همو: ۱۳۶۳، ۱۹۶؛ همو: ۱۴۱۳ ج، ۲۹۹؛ همو:
۱۹۸۲، ۱۵۷-۱۵۸).

۴-۱-۲. دسته دوم (مسائلی که اثبات وحی و دلیل نقلی متوقف بر آنها نیست و
عقل توان درک آنها را دارد).

از جمله مواردی که علامه از استدلال عقلی در آنها بهره گرفته است عبارتند از:
عصمت ائمه (همو: ۱۴۱۳ ب، ۱۸۴؛ همو: ۱۳۶۳، ۲۰۴؛ همو: ۱۴۱۳ ج، ۲۹۹؛ همو:
۱۹۸۲، ۱۶۴؛ همو: ۱۳۷۹، ۱۱۳-۱۱۵؛ همو: ۱۴۲۳، ۱۰۵ به بعد) وجوب معاد (همو:
۱۴۱۳ ب، ۲۴۳)، وجوب نص بر امام (همو: ۱۴۱۳ ب، ۱۸۷) ثواب و عقاب (همان،
۲۶۱) فاعل بودن انسان (همو: ۱۴۱۸، ص ۳۴) محال بودن رویت خدا (همو: ۱۴۱۳،
۷) واحد بودن خدا (همو: ۱۴۱۳، ۳۵).

۴-۲. عقل عملی

۴-۲-۱. دسته اول (مسائلی که اثبات وحی و دلیل نقلی متوقف بر آنهاست).
مواردی همچون: حسن و قبح عقلی (همو: ۱۴۱۳ ب، ۵۹؛ همو: ۱۴۱۳ ج، ۲۴۸؛
همو: ۱۳۶۳، ۱۰۵؛ همو: ۱۹۸۲، ۸۲) و عدل الهی (همو: ۱۳۶۳، ۱۰۵) از مسائلی
هستند که اثبات وحی و نقل متوقف بر آنهاست.

۴-۲-۲. دسته دوم (مسائلی که اثبات وحی و دلیل نقلی متوقف بر آنها نیست
ولی عقل توان درک آنها را دارد).

تکلیف به محال (همو: ۱۹۸۲، ۳۸۵) مخاطب شرایع بودن کفار (همان، ۳۸۳)
استحقاق ثواب و عقاب (همان، ص ۳۷۷؛ همو: ۱۴۱۳ ب، ۲۶۲) جبر و اختیار، هدایت

و ضلالت، تکلیف. (همو: ۱۴۱۳ ب، ۶۲، ۶۹، ۹۲-۹۳، ۹۶؛ همو: ۱۹۸۲، ۸۵؛ همو: ۱۴۱۳ ج، ۲۴۹) از جمله‌ی مسائلی‌اند که عقل و نقل متوقف بر آنها نبوده ولی عقل توان درک آنها را دارد.

علامه دلالت عقل را از دلالت سایر منابع قوی‌تر شمرده و در صورت ناسازگاری اخبار با دلایل عقلی در صورت تاویل پذیری آنها را تاویل (همو: ۱۴۱۳ ج، ۲۰۳، ۲۰۷، ۲۷۳؛ همو: ۱۳۶۳، ۸۱، ۸۴؛ همو: ۱۴۱۳ ب، ۴۹، ۷۶، ۲۴۹، ۲۷۶، ۲۸۰) و در صورت تاویل ناپذیری آنها را مردود شمرده است. (همو: ۱۹۸۲، ۱۴۲-۱۵۷)

البته ایشان کارایی عقل را در برخی حوزه‌ها ناتمام دانسته و آن را محتاج شرع می‌داند (همو: ۱۳۶۳، ۲۰۵، ۱۸؛ همو: ۱۴۱۳ ب، ۱۵۲؛ همو: ۱۴۱۳ ج، ۲۷۴؛ همو: ۱۹۸۲، ۸۲)

۵. معرفت نقلی در روش کلامی علامه حلی

علامه همچون سایر علما اسلام منقولات را یکی از منابع معرفتی به شمار می‌آورد و در آثار کلامی خود نیز به وفور از آن استفاده می‌نماید. البته با این تفاوت که حجیت قرآن را پذیرفته (همو: ۱۹۸۲، ۳۸۶؛ همو: ۱۳۷۹، ۱۱۵) ولی حجیت اخبار و روایات معصومین علیهم‌السلام و اجماع را به صورت مطلق نمی‌پذیرد بلکه شرایطی برای پذیرش آنها مطرح می‌نماید.

ایشان با تقسیم اخبار به متواتر و آحاد، حجیت خبر متواتر لفظی و معنوی (همو: ۱۳۶۳، ۱۸۶؛ همو: ۱۳۷۹، ۱۷۷) و مفید علم بودن آن را از بدیهیات می‌داند، مانند علم به وجود بقراط و غیره (همو: ۱۹۸۲، ۳۹۷؛ همو: ۱۳۶۳، ۱۸۶؛ همو: ۱۴۱۳ ج، ۳۰۶؛ همو: ۱۴۱۳ ب، ۲۳۱، ۲۳۸، ۱۹۲) اما اخبار آحاد را مفید ظن دانسته و حجیت آن را به صورت مطلق نمی‌پذیرد. (همو: ۱۹۸۲، ۳۹۷؛ همو: ۱۴۱۳ ب، ۱۹۷؛ همو: ۱۴۱۳ ج، ۳۱۴؛ همو: ۱۳۶۳، ۱۸۶) ایشان اخبار آحادی که مقرون به قرائن اطمینان‌آور باشند- مثلاً روایان آن عادل باشند (همو: ۱۹۸۲، ۳۹۷-۳۹۸؛ همو: ۱۴۰۱، ۴۹)- و مخالف با صریح قرآن نباشند (همو: ۱۹۸۲، ۲۶۸؛ همو: ۱۴۰۱، ۳۱) را مفید علم می‌داند.

در مبحث حجیت اجماع نیز که نوعی معرفت نقلی به حساب می‌آید ایشان در آثار کلامی خود از سه نوع اجماع سخن به میان آورده است:

الف) اجماع تمام عقلاء: که آن را حجت دانسته و در مباحث کلامی در موارد

متعدد به آن استناد می‌کند (همو: ۱۹۸۲، ۴۱؛ همو: ۱۴۲۳، ۱: ۵۵؛ همو: ۱۴۱۳ الف، ۱۸) که البته چنین اجماعی در غیر ضروریات رخ نمی‌دهد.

(ب) اجماع عترت: که در برخی از آثار خود آن را طرح نموده و آن را قول معصوم دانسته و حجت می‌داند. (همو: ۱۹۸۲، ۳۸۷)

(ج) اجماع امت اسلامی (اجماع اصطلاحی): ایشان اجماع امت اسلامی را از آن جهت که کاشف از قول معصوم می‌داند حجت دانسته (همو: ۱۴۱۳ ب، ۱۸۴؛ همو: ۱۴۱۳ الف، ۱۹) و همچنین حجیت آن را در صورتی که دارای دلیل باشد می‌پذیرد (همو: ۱۳۷۹، ۱۸۳) ولی اگر خالی از قول معصوم باشد حجت نمی‌داند. (همو: ۱۳۶۳، ۲۰۵؛ همو: ۱۴۱۳ ب، ۱۸۴).

علامه در برخی از مسائل درون دینی مانند اثبات امامت معصومین علیهم السلام از عقل و نقل استفاده نموده است. (همو: ۱۴۱۳ ب، ۳۵، ۲۳۸؛ همو: ۱۴۱۸، ۳۴؛ همو: ۱۴۱۵، ۴۹۱) و در پاره‌ای از مسائل که عقل از اثبات آنها عاجز است فقط از نقل استفاده نموده است. (همو: ۱۳۶۳، ۱۸۰؛ همو: ۱۴۱۳ ب، ۲۵۸؛ همو: ۱۳۸۶، ۵۷۴).

۶. شیوه مواجهه علامه با فرق و آراء کلامی

علامه با توجه به تسلطی که به آراء و اقوال ادیان و سایر مذاهب داشته است در کنار تبیین عقاید شیعه به نقد و بررسی آراء عالمان و نظریه پردازان آنها نیز پرداخته است. ابتدا آراء و نظریات ایشان درباره ادیان و مکاتب گوناگون و سپس در مورد فرق و مذاهب مختلف بررسی می‌شود.

۱-۶. ادیان و مکاتب

آنچه که از بررسی آثار و تالیفات علامه به دست می‌آید این است که ایشان با طرح برخی از آراء و نظریات ادیان مختلف با شیوه‌های متعدد به نقد و بررسی هر کدام از آنها پرداخته است.

به عنوان مثال در مبحث نبوت به دیدگاه آیین یهود در باره نسخ شرایع اشاره نموده و در نقد و بررسی آن در برخی از آثار خود به صورت عادی (همو: ۱۴۱۳ ب، ۱۷۳؛ همو: ۱۳۸۶، ۴۵۰) و در برخی دیگر نیز به صورت تحقیر آمیز نظریه آنها را رد نموده است. (همو: ۱۳۶۳، ۱۹۷).

و در مبحث امتناع حلول خداوند (همو: ۱۳۶۳، ۸۰؛ همو: ۱۴۲۶، ۱۵۲؛ همو: ۱۴۱۳ ب، ۳۹؛ همو: ۱۴۱۵، ۳۲۰)، اقلانیم سه گانه (همو: ۱۴۲۶، ۱۵۲، ۱۶۰؛ همو: ۱۳۶۳، ۱۹۸؛ همو: ۱۳۸۶، ۳۶۴، ۳۸۰) و نبوت خاصه (همو: ۱۴۱۳ ب، ۱۷۶) نیز نظر

مسیحیان را مطرح و نقد نموده است، که برخی از آنها به صورت تحقیر آمیز می‌باشد. (همو: ۱۴۱۳ ب، ۳۹)

و در مباحثی همچون قدرت خدا (همو: ۱۳۶۳، ۹۰؛ همو: ۱۴۲۶، ۱۴۶)؛ خیر و شر (همو: ۱۳۶۳، ۲۰۰؛ همو: ۱۴۲۶، ۱۴۶، ۱۶۰؛ همو: ۱۴۱۳ ب، ۲۸۴) و اثبات صانع (همو: ۱۳۸۶، ۳۷۹) نظریات اهل مجوس را مطرح و در برخی موارد آنها را به صورت تحقیر آمیز (همان) رد نموده است.

همچنین در مباحث قدرت (همو: ۱۳۶۳، ۹۰؛ همو: ۱۴۲۶، ۱۴۶؛ همو: ۱۴۱۳ ب، ۱۶؛ همو: ۱۳۸۶، ۲۳۹) تدبیر عالم (همو: ۱۳۶۳، ۲۰۰)، وحدت خدا (همو: ۱۴۲۶، ۱۵۹؛ همو: ۱۳۸۶، ۳۷۴) و بحث الم (همو: ۱۴۱۳ ب، ۱۱۹) به بررسی و نقد مکتب ثنویت پرداخته است.

ولی ایشان در بررسی و نقد آراء ادیان مذکور از شخصیت خاصی نام نبرده است.

۲-۶. فرق و مذاهب

۱-۲-۶. اشاعره

علامه تقریبا در تمام کتب کلامی خود به این مذهب فکری توجه داشته و آراء و دیدگاه های آنها را در زمینه‌های گوناگون همچون زیادت و عینیت صفات الهی (همو: ۱۳۶۳، ۷۳؛ همو: ۱۴۱۳ الف، ۳۹؛ همو: ۱۴۱۵، ۲۸۹)، عمومیت قدرت الهی (همو: ۱۳۶۳، ۸۷؛ همو: ۱۴۱۳ ب، ۱۶)؛ تکلم (همو: ۱۳۶۳، ۶۹؛ همو: ۱۳۶۵، ۴)؛ همو: ۱۴۲۶، ۱۴۳)؛ رویت (همو: ۱۴۱۳ الف، ۳۷؛ همو: ۱۳۶۳، ۸۳؛ همو: ۱۴۱۳ ب، ۴۶)؛ فاعل بودن انسان ها (همو: ۱۳۶۳، ص ۱۱۰؛ همو: ۱۴۱۳ ب، ۶۸؛ همو: ۱۴۱۵، ۳۶۵)؛ حسن و قبح عقلی (همو: ۱۴۱۳ ب، ۵۷)؛ غرض داشتن افعال الهی (همو: ۱۴۱۳ ب، ۶۴؛ همو: ۱۳۶۳، ۱۵۱)؛ وجوب بعثت (همو: ۱۴۲۶، ۱۸۵؛ همو: ۱۴۱۳ ب، ۱۵۴) و... متعرض شده و نقد کرده است.

ایشان همچنین به نقل اقوال شخصیت های برجسته این مذهب همچون ابوالحسن اشعری (همو: ۱۳۶۳، ۱۱۰؛ همو: ۱۴۱۳ ب، ۶۸)، ابوبکر باقلانی (همو: ۱۳۶۳، ۷۵؛ همو: ۱۴۱۳ ب، ۶۸)، فخر رازی (همو: ۱۴۱۳ الف، ۳۸)، نجار (همو: ۱۳۶۳، ص ۱۱۰؛ همو: ۱۴۲۶، ص ۱۴۰)، اسفراینی (همو: ۱۴۱۳ ب، ۶۹)، جوینی (همو: ۱۴۲۳، ۳۸؛ همو: ۱۴۲۶، ۱۹۰) و... اهتمام داشته است.

شیوه برخورد علامه با این مذهب متفاوت بوده به گونه‌ای که در برخی مواد به

صورت عادی و در برخی موارد خصوصا در مواقعی که خلاف بداهت عقل سخن گفته‌اند به صورت تحقیر آمیز (همو: ۱۹۸۲، ۴۰، ۵۶، ۵۸، ۱۳۱، ۱۳۳، ۱۳۵، ۱۳۶؛ همو: ۱۳۷۹، ۴۶؛ همو: ۱۳۶۳، ۸۳) به نقد نظریات آنها پرداخته است. کتاب «نهج الحق و کشف الصدق» همان گونه که از مقدمه آن پیداست (ص ۳۷) در همین زمینه نگاشته شده است.

۶-۲-۲. معتزله

علامه به این مذهب فکری نیز در تمام کتب کلامی خود به صورت گسترده توجه داشته و آراء و دیدگاه های شخصیت های برجسته این مذهب همچون ابوعلی (همو: ۱۳۶۳، ص ۱۱۰؛ همو: ۱۴۱۵، ۲۶۰)، ابوالحسین بصری (همو: ۱۳۶۳، ۱۱۰؛ همو: ۱۴۲۶، ۱۴۰؛ همو: ۱۴۱۳، ب، ۵۸)؛ نظام (همو: ۱۴۱۳، ب، ۱۷؛ همو: ۱۴۱۵، ۲۶۴) قاضی عبدالجبار (همو: ۱۴۲۳، ۳۹؛ همو: ۱۳۶۳، ۴۹) و بلخی (همو: ۱۳۶۳، ۴۹) را در زمینه های گوناگون مطرح و مورد نقد و بررسی قرار داده است. البته به دلیل عقل گرا بودن و پذیرش حسن و قبح عقلی از سوی معتزله اختلاف عمده‌ای که مورد نقد علامه باشد دیده نمی‌شود. و در موارد نقد نیز به صورت تحقیر آمیز نمی‌باشد.

۶-۲-۳. مشبهه

علامه دیدگاه این مذهب فکری را در مسائلی همچون: جسمانیت و رویت الهی (همو: ۱۹۸۲، ۴۷؛ همو: ۱۳۸۶، ۳۳۲؛ همو: ۱۴۱۳ الف، ۳۸؛ همو: ۱۴۱۳، ب، ۴۷) نقل و رد کرده است.

۶-۲-۴. غلات

از دیگر مذاهب فکری که علامه به دیدگاه آنها در مباحث الوهیت و نبوت امیرالمومنین پرداخته و رد نموده است غلات می‌باشند. (همو: ۱۳۶۳، ۲۰۲؛ همو: ۱۳۷۹، ۵۲)

۶-۲-۵. خوارج

ایشان دیدگاه خوارج را نیز در مباحثی همانند وجوب نصب امام (همو: ۱۴۲۳، ج ۱، ۵۵؛ همو: ۱۴۱۳، ب، ۱۸۱)، ماهیت ایمان (همو: ۱۳۶۳، ۱۷۹؛ همو: ۱۴۲۶، ۲۲۸؛ همو: ۱۴۱۳، ب، ۳۰۱) و عصمت انبیا (همو: ۱۳۶۳، ۱۹۶؛ همو: ۱۴۲۶، ۱۹۲) نقل و نقد کرده است.

از دیگر مذاهب فکری که علامه دیدگاه آنها را در مباحثی مانند: حیات الهی (همو: ۱۳۶۳، ۶۴) سمیع و بصیر (همو: ۱۳۶۳، ۱۶۳؛ همو: ۱۴۲۶، ۱۴۱) لذت و الم الهی (همو: ۱۴۲۶، ۱۵۵؛ همو: ۱۴۱۳، ۴۴) معاد جسمانی (همو: ۱۴۱۵، ۴۹۲؛ همو: ۱۴۲۶، ۲۱۶؛ همو: ۱۴۱۳، ۲۵۸) رویت الهی (همو: ۱۴۱۳، الف، ۳۷؛ همو: ۱۳۸۶، ۳۳۲) و حسن و قبح عقلی (همو: ۱۴۱۳، ۵۶) مورد بررسی قرار داده، مذهب فکری فلاسفه و اوائل است.

یکی از روش های علامه در نشان دادن نادرستی گفتار مخالفان و اثبات حق - خصوصا در بحث امامت - استفاده از روش مقایسه بوده است؛ به این صورت که ابتدا رأی شیعه و ادله آن را مطرح، سپس اقوال مخالفان را بیان کرده، و قضاوت را بر عهده مخاطبین گذاشته است. (همو: ۱۹۸۲، همه کتاب، به خصوص ۲۶۲، ۳۰۷؛ همو: ۱۴۱۳، ۱۹۶؛ همو: ۱۳۷۹، ۳۶، ۱۷۹)

علامه از جمله علمایی است که به خاطر تسلط بر اکثر علوم اسلامی (مثل فلسفه، منطق، فقه، اصول، کلام و...) تبحر خاصی در فن مناظره و جدل داشته است. مناظره با علمای چهارگانه اهل سنت در حضور سلطان محمد خدابنده و استبصار ایشان نمونه بارزی از مناظرات ایشان می باشد. (مجلسی: بی تا، ج ۹، ص ۳۰-۳۲)

جمع بندی

علامه حلی با رویکردی عقلی فلسفی در مباحث کلامی و استفاده از روش های منطقی، و با بهره برداری از ادله نقلی و استفاده از علوم گوناگون، و همچنین طرح و نقد دیدگاه دیگر دانشمندان، نقش ویژه و ممتازی در کلام اسلامی عموما و کلام شیعی خصوصا داشته است، که برخی از آنها عبارتند از:

۱. تثبیت و ترویج روش عقلی - فلسفی: ایشان با شرح کتب مرحوم خواجه مانند «کشف المراد» و «کشف الفوائد» که با رویکردی عقلی و فلسفی نگاشته شده بودند و تالیف کتبی مانند «نهج المسترشدين» و «نهایه المرام» با همین شیوه و روش نگارشی، نقش موثری در تثبیت و ترویج این شیوه در کلام اسلامی مخصوصا کلام شیعی ایفا کرده است.

۲. دفاع از عقاید شیعه: ایشان با انجام مناظرات متعدد با علمای سایر مذاهب و نگارش کتبی مانند «منهاج الكرامه»، «کتاب الألفین»، «کشف اليقين فی فضایل امير

المومنین» و... نقش شایانی در دفاع از عقاید شیعه خصوصا مسئله امامت داشته است.
۳. نقد آراء کلامی دیگر: ایشان در آثار کلامی خود همزمان با بیان آراء و عقاید شیعه در صدد نقد دیدگاه های مخالفان به ویژه مذاهب مطرح و مورد توجه از نظر سیاسی و اجتماعی مانند اشاعره برآمده است. کتاب «نهج الحق و كشف الصدق» از نمونه های بارز در این زمینه می باشد.

۱. قرآن کریم
۲. امین، سید محسن، ۱۴۰۳، *اعیان الشیعه*، بیروت، دار التعارف للمطبوعات.
۳. جرجانی، سید شریف علی بن محمد، ۱۳۷۰، *التعريفات*، چهارم، تهران، ناصر خسرو
۴. حر عاملی، محمد بن الحسن، ۱۳۶۲، *امل الآمل*، قم، دارالکتاب الاسلامی.
۵. صفدی، خلیل بن ایبک، ۱۳۸۱، *الوافی بالوفیات*، دوم، تهران، جهان.
۶. طبرسی نوری، حسین، ۱۳۸۳، *النجم الثاقب فی أحوال الإمام الحجّة الغائب*، هشتم، قم، مسجد مقدس جمکران.
۷. طریحی، فخر الدین، ۱۴۱۶، *مجمع البحرين*، سوم، تهران، مرتضوی.
۸. علامه حلی، جمال الدین حسن بن یوسف، ۱۳۸۶، *معارض الفهم فی شرح النظم*، اول، قم، دلیل ما.
۹. —————، ۱۹۸۲، *نهج الحق و كشف الصدق*، اول، بیروت، دار الكتاب اللبناني.
۱۰. —————، ۱۴۱۸، *استقصاء النظر فی القضاء و القدر*، اول، مشهد، دار الإنباء الغیب.
۱۱. —————، ۱۳۶۳، *أنوار الملكوت فی شرح الیاقوت*، دوم، قم، الشریف الرضی.
۱۲. —————، ۱۳۶۵، *الباب الحادی عشر*، اول، تهران، مؤسسه مطالعات اسلامی.
۱۳. —————، ۱۳۷۴، *واجب الاعتقاد علی جمیع العباد*، اول، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
۱۴. —————، ۱۳۷۹، *منهاج الكرامة فی معرفة الإمامة*، اول، مشهد، مؤسسه عاشورا.
۱۵. —————، ۱۴۰۱، *أجوبة المسائل المهنائية*، اول، قم، خیام.
۱۶. —————، الف، ۱۴۱۳، *الرسالة السعدیة*، اول، بیروت، دار الصفوة.
۱۷. —————، ب، ۱۴۱۳، *كشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد*، تحقیق: آیت الله حسن زاده آملی، چهارم، قم، مؤسسه النشر الإسلامی.
۱۸. —————، ج، ۱۴۱۳، *كشف الفوائد فی شرح قواعد العقائد*، تحقیق حسن مکی العاملی، بیروت، دار الصفوة.
۱۹. —————، ۱۴۱۵، *مناهج اليقين فی أصول الدين*، اول، تهران، دار الأسوة.
۲۰. —————، ۱۴۱۹، *نهاية المرام فی علم الكلام*، اول، قم، مؤسسه الإمام الصادق عليه السلام.
۲۱. —————، ۱۴۲۳، *الألفین*، اول، قم، المؤسسه الإسلامیة.
۲۲. —————، ۱۴۲۶، *تسليک النفس الی حظيرة القدس*، اول، قم، مؤسسه الإمام الصادق عليه السلام.

۲۳. قمی، شیخ عباس، ۱۳۸۵، *الفوائد الرضویة فی احوال علماء المذهب الجعفریة*، اول، قم، مؤسسه بوستان کتاب.
۲۴. مجلسی، محمد تقی، بی تا، *روضه المتقین*، دوم، قم، مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانیور.
۲۵. موسوی خوانساری، میرزا محمدباقر، ۱۳۹۰، *روضات الجنات فی احوال العلماء و السادات*، قم، اسماعیلیان.
۲۶. نهایندی، علی اکبر، ۱۳۸۶، *العقیری الحسان فی احوال مولانا صاحب الزمان*، قم، مسجد مقدس جمکران.